

پاسخ به چند سوال پیرامون هجوم به خانه ی وحی

دفعات هجوم به خانه ی امیر المومنین و حضرت زهرا سلام الله علیهما، به چه صورتی در تاریخ

بیان شده است؟

برخلاف آن چه مشهور است و در ذهن ها جا افتاده، هجوم به خانه ی حضرت زهرا سلام الله علیها، بیش از یک بار صورت گرفته و در بعضی نقل ها دوبار و در برخی نقل ها بیش از دو مرتبه رخ داده است.

اما با فرض حد اقل دوبار، یکی هجوم اول است که این هجوم باعث متفرق شدن متحصّنین از خانه ی حضرت شده و دیگری هجوم اصلی، که منجر به آتش گرفتن در خانه و بقیه ی اتفاقات بوده است.

منابع پیروان مکتب خلفا از درج حوادث «هجوم ا صلی» به خانه ی حضرت فاطمه علیها السلام، مانند وقوع احراق و آتش به در خانه، سر باز زده و تنها — با شیطنت —، فرازهایی از آن رخدادها را — که با انگیزه‌ها و اهدافشان سازگاری داشته است، — در نقل‌های «هجوم اول» ادغام کرده‌اند. در این منابع، حوادث هجوم نظام حاکم به بیت حضرت فاطمه علیها السلام به صورت گزینشی و آن هم در فضای اعتقاد به حقانیت خلافت ابوبکر و با انگیزه ی مذمت حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام و محکوم نمودن ایشان به تخلف از انجام بیعت با خلیفه ی رسول خدا، نقل شده است.

به عبارت دیگر، مورّخین پیروان مکتب سقیفه، به پشتوانه ی عقاید خود، تنها به ثبت حوادثی پرداخته‌اند که با انگیزه ی آنان از درج این حوادث، در تعارض قرار نگیرد. یعنی انگشت اتهام خواننده را به سمت نظام

^۱ - تحصن یا بست نشینی گونه‌ای کنش اعتراضی است که در آن فرد یا افرادی با اشغال یک منطقه و یا ماندن در مکانی و بیشتر برای ترویج تغییرات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به آن دست می‌زنند.

خلافت برنگرداند و باور خواننده را به سوی حَقانیت عملکردهای حضرت امیرالمؤمنین و سرور زنان عالم حضرت فاطمه ی زهرا علیهماالسلام متمایل نسازد.

منابع عامه^۲ با نگاهی تاریخ‌نگارانه، بیشتر به نقل حوادث «هجوم اول» پرداخته‌اند، در حالی که اکثر منابع شیعی، با نگاهی حدیثی یا کلامی، بیشتر به نقل حوادث «هجوم اصلی» پرداخته‌اند.

عدم توجه علمی به «تفاوت روش و انگیزه شیعیان و پیروان سقیفه از ثبت حوادث هجوم»، منجر به ابراز این شبهه گردیده است که واقعه ی حمله به خانه ی امیرالمؤمنین علیه‌السلام برای گرفتن بیعت و حوادث ناگواری که در ضمن آن نقل شده، چه جایگاهی در متون روایی اهل سقیفه دارد؟

حال آن‌که «بیرون کشاندن امیرالمؤمنین علیه‌السلام از خانه ی حضرت فاطمه علیهاالسلام، جهت انجام بیعت اجباری با ابوبکر»، تنها حادثه از حوادث «هجوم اصلی» است که نقل آن، با اهداف نویسندگان پیروان مکتب خلفا هم‌خوانی داشته و توجه آنان را جهت ادغام با حوادث «هجوم اول»، به خود جلب کرده است. لذا در مراجعه به منابع آن‌ها، عمده ادغام‌های صورت گرفته در نقل‌های هجوم به خانه ی حضرت فاطمه علیهاالسلام را در همین مورد خاص می‌توان جستجو نمود.

نکته ی قابل توجه این که در برخی از این نقل‌های ادغام شده، از خروج امیرالمؤمنین علیه‌السلام به همراه زبیر و سایر متحصنین و در پاره‌ای دیگر از آن‌ها، تنها از خروج زبیر با شمشیر و سپس، بیرون کشاندن امیرالمؤمنین علیه‌السلام از بیت حضرت صدیقه علیهاالسلام، سخن به میان آمده است.^۳

لازم به ذکر است که ادغام حوادث «هجوم اصلی» با رویدادهای «هجوم اول»، در برخی منابع امامیه نیز قابل مشاهده است. البته باید توجه داشت که این قبیل ادغام‌ها، به دلایل و ملاحظات متعددی همانند، ترس از

۲ - منظور همان اهل سنت و پیروان مکتب خلفا

۳ - ر.ک: دراسته و تحلیل حول الهجوم علی بیت فاطمه علیهاالسلام، ذیل شماره‌های: ۴ - ۱۲ - ۱۸ - ۲۰ - ۲۱ - ۲۲ - ۲۵

حکومت‌های جائز، سهو^۴ در ضبط دقیق ماجراها، استناد به منابع عامه جهت رعایت اصول مناظره و ... صورت پذیرفته و هرگز تابع انگیزه‌های غرض‌ورزانه نبوده است.

همچنین لازم به ذکر است که وجود پاره‌ای حوادث مشترک میان هر دو هجوم (یعنی: حوادثی همچون تهدید به احراق و یا حمله و ورود مهاجمین به داخل خانه، که در هر دو هجوم به وقوع پیوسته‌اند)، گاه «به طور طبیعی، ناخواسته و ندانسته» موجبات ادغام سهوی نقل‌های «هجوم اول» و «هجوم اصلی» در یکدیگر را فراهم آورده است.

از جمله رویدادهای «هجوم اول» به بیت فاطمه‌علیها‌لسّلام، خروج زبیر با شمشیر و گرفتن شمشیر او توسط مهاجمین، — پس از خروجش از خانه ی امیرالمؤمنین علیه‌السّلام — می‌باشد. از این حادثه، در منابع پیروان مکتب خلفا نیز فراوان یاد شده است.^۵

از آن جایی که در برخی منابع از گرفتن «شمشیر امیرالمؤمنین علیه‌السّلام و شمشیر زبیر» توسط مهاجمین، سخن به میان آمده است و با توجه به این نکته که خروج زبیر با شمشیر، مربوط به حوادث «هجوم اول» و بیرون کشاندن اجباری امیرالمؤمنین علیه‌السّلام از بیت فاطمه‌علیها‌لسّلام، مربوط به حوادث «هجوم اصلی» می‌باشد، باید گفت، منابع مذکور، دو حادثه از این دو هجوم (خروج امیرالمؤمنین علیه‌السّلام با شمشیر — با فرض صحّت آن — ، و خروج زبیر با شمشیر) را در یکدیگر ادغام کرده و یک‌جا ذکر نموده‌اند.

^۴ - غفلت و بی توجهی به اهمیت مسئله

^۵ - برخی موارد آن را می‌توان در کتاب «دراسة و تحلیل حول الهجوم علی بیت فاطمه‌علیها‌لسّلام»، ذیل شماره‌های: ۱ - ۲ - ۴ - ۱۲ - ۱۸ - ۱۹ - ۲۰ - ۲۱ - ۲۲ - ۲۵ - ۲۷ - ۲۹ - ۴۰ ملاحظه نمود.

^۶ - ر.ک: دراسة و تحلیل حول الهجوم علی بیت فاطمه‌علیها‌لسّلام، ذیل شماره‌های: ۴ - ۱۷ - ۲۵

بر این اساس نتیجه می‌گیریم، نقل‌هایی همچون نقل یعقوبی: **وَ خَرَجَ عَلَيَّ وَ مَعَهُ السَّيْفُ، فَلَقِيَهُ عُمَرُ فَصَرَاعَهُ وَ كَسَرَ سَيْفَهُ وَ دَخَلُوا الدَّارَ ...** ، یا به حادثه‌ای که به «هجوم اصلی» مربوط است، اشاره دارد و در نتیجه نقل یعقوبی نیز از زمره ی همان نقل‌هایی است که به دلیل ملاحظات سیاسی، حوادث «هجوم اول» و «هجوم اصلی» را در یکدیگر ادغام کرده‌اند، و یا — به احتمال زیاد — باید گفت: یعقوبی تنها به ذکر حوادث «هجوم اول» اکتفا کرده و در نقل او، نام «علی علیه‌السلام» به اشتباه، به جای نام «زبیر» نوشته شده است.

دقت در سایر نقل‌ها، صحت این احتمال را تقویت می‌کند؛ زیرا — بی‌تردید — بیرون کشاندن امیرالمؤمنین علیه‌السلام از بیت فاطمه‌علیهاالسلام، پس از ورود مهاجمین به داخل خانه ی ایشان (و نه قبل از آن)، بوده است.

در هجوم اول به خانه حضرت زهرا سلام الله علیها چه اتفاقاتی رخ داد؟

فهرست موضوعی یکایک حوادث پدید آمده در واقعه ی هجوم اول ، مندرج در منابع پیروان سقیفه (با ملاحظه ی نقل‌های ادغام شده با برخی حوادث هجوم اصلی) به شرح زیر می‌باشد:

- ۱) جمع آوری هیزم جهت افروختن آتش به منظور اخذ بیعت از متحصنین
- ۲) آوردن آتش
- ۳) احتجاج حضرت زهرا سلام الله علیها با مهاجمین
- ۴) اخذ بیعت اجباری از متحصنین
- ۵) امتناع بنی هاشم از بیعت با ابوبکر
- ۶) برداشتن سلاح توسط حضرت علی علیه السلام و زبیر در هنگام تحصن
- ۷) تحصن حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام و زبیر در خانه ی حضرت فاطمه سلام الله علیها و امتناع از بیعت با ابوبکر
- ۸) تحصن در بیت حضرت فاطمه علیها السلام و مخالفت متحصنین با ابوبکر
- ۹) تهدید به احراق بیت و انهدام آن در صورت عدم خروج متحصنین از آن جا

۱۰) جمع آوری قرآن در ایام تحصن در بیت حضرت فاطمه سلام الله علیها توسط حضرت امیرالمؤمنین

علی علیه السلام

۱۱) خشم برخی از مهاجرین از خلافت ابوبکر

۱۲) خشم امیرالمؤمنین علی علیه السلام و زبیر از خلافت ابوبکر

۱۳) خنثی سازی توطئه مهاجمین توسط حضرت زهرا سلام الله علیها

۱۴) دستور ابوبکر به آغاز هجوم اول

۱۵) شمشیرکشیدن زبیر و شکسته شدن آن

۱۶) عدم خروج حضرت علی علیه السلام از بیت حضرت فاطمه سلام الله علیها تا پایان حوادث هجوم

اول

۱۷) فرماندهی مهاجمین به بیت فاطمه سلام الله علیها توسط عمر بن خطاب

۱۸) مشاوره ی متحصنین با حضرت زهرا سلام الله علیها

۱۹) ورود مهاجمین به بیت فاطمه

هجوم اصلی به خانه حضرت زهرا سلام الله علیها چه شاخصه هائی دارد؟

از موضوع بندی دقیق حوادث «هجوم اصلی»،^۷ می توان به شاخصه های زیر دست یافت:

نخستین شاخصه ی بنیادین در هجوم اصلی تنها بودن اهل بیت علیهم السلام در هنگام «هجوم اصلی» و

خالی بودن بیت حضرت فاطمه علیها السلام از یاران حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام می باشد. در

واقع مخاطب و هدف اصلی مهاجمین، در این هجوم، امیرالمؤمنین علیه السلام می باشند.

^۷ - نقل های اهل سنت، مندرج در کتاب «دراسة و تحلیل حول الهجوم علی بیت فاطمه علیها السلام»، ذیل شماره های: ۶-۷-۸-

۵۸-۴۷-۴۲-۳۷-۳۴-۲۳-۱۵-۱۴-۱۳-۱۰-۹ حاکی از هجوم اصلی می باشند.

دومین شاخصه ی بنیادین در هجوم اصلی بیرون کشاندن اجباری حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام از خانه، توسط مهاجمین و تهدید ایشان به قتل می باشد.

سومین شاخصه بنیادین در هجوم اصلی به آتش کشیدن در خانه حضرت زهرا سلام الله علیها توسط مهاجمین است.

چهارمین شاخصه بنیادین در هجوم اصلی ایراد ضرب و جرح به حضرت زهرا علیها السلام توسط مهاجمین می باشد.

هر چند شاخصه های سوم و چهارم، از مهم ترین حوادث و رخداد های «هجوم اصلی» به شمار می روند، اما در منابع اهل سنت، به شدت حذف و تحریف شده اند، به گونه ای که ردّ پاهای کم رنگی از آن ها قابل کشف و مشاهده است. بنابراین، در نقل های «هجوم اصلی» مندرج در منابع عامه، بیشتر شاخصه های اول و دوم در فهرست هجوم اصلی را می توان مشاهده نمود.

برخورد دستگاه خلافت با متحصنان چگونه بود؟

عمر بن الخطاب می گوید: پس از این که خداوند پیامبرش را به سوی خود فرا خواند، از گزارش هایی که به ما رسید یکی این بود که علی و زبیر و همراهانشان از ما بریده اند و در مقام مخالفت با ما، در خانه ی فاطمه گرد آمده اند.^۸ مورخان، در شمار کسانی که از بیعت با ابوبکر سرباز زدند و همراه با امیر المومنین علی علیه السلام و زبیر در خانه ی حضرت فاطمه سلام الله علیها، ماندند، این اشخاص را نام برده اند: عباس بن

^۸ - مسند احمد، ۱/۵۵ و طبری، ۲/۴۶۶ و در چاپ اروپا، ۱/۱۸۲۲ و ابن اثیر، ۲/۱۲۴ و ابن کثیر، ۵/۲۴۶ و صفوها لصفوه، ۱/۹۷ و ابن ابی الحدید، ۱/۱۲۳ و تاریخ الخلفا سیوطی، ص ۴۵ و سیره ابن هشام، ۴/۳۳۸ و تیسیر الوصول، ۲/۴۱.

عبدالْمُطَّلِب، عْتَبَه بن اَبِي اَلْهَب، سلمان فارسی، ابوذرّ غفاری، عَمّار بن یاسر، مقداد بن اَسود، بَرَاء بن عازب، اَبی بن کَعْب، سعد بن اَبی وَقاص، طَلحه بن عُبَیدالله و گروهی از بنی هاشم و مهاجران و انصار.^۹

موضوع خودداری امیرالمؤمنین علی علیه السلام و همراهان ایشان از بیعت با ابوبکر و نشستن آنان در خانه ی حضرت فاطمه سلام الله علیها، در کتاب های سیره، تاریخ، صحاح و مسانید، ادب، کلام و شرح رجال و معاریف، به حد تواتر روایت شده است و تردیدی در صحت آن نیست. ولی چون نویسندگان کتاب های مزبور خوش نداشتند از اتفاقاتی که بین متحصّنان و حزب ظاهراً پیروز (اهل سقیفه) رخ داده است پرده بردارند، اکثراً به جز آن مقدار که ناخواسته (و به لطف الهی برای ثبت در تاریخ) از قلمشان تراوش کرده است، چیزی به دست نداده اند.

اکنون، نمونه ای از همین مقدار را که در سخن بلاذری^{۱۰} درباره این رویداد مهم تاریخی آمده است می بینیم: «هنگامی که علی زیر بار بیعت با ابوبکر نرفت، ابوبکر به عمر بن خطاب فرمان داد که او (علی) را گر

^۹ - علاوه بر مصادری که پیش از این ذکر شد، مصادر دیگری نیز هست که تصریح کرده اند این چند نفر از بیعت با ابوبکر سر باز زده، در خانه حضرت فاطمه سلام الله علیها، متحصّن شدند. بعضی از این مصادر نام چند نفر از ایشان برده اند که برای بیعت با امیر المومنین علی علیه السلام، در خانه حضرت زهرا سلام الله علیها اجتماع کرده بودند. آن مصادر عبارت اند از: الریاض النضره، ۱۶۷/۱ و تاریخ الخمیس، ۱۸۸/۱ و ابن عبدربه، ۶۴/۳ و تاریخ ابی الفداء، ۱۵۶/۱ و ابن شحنه در حاشیه کامل ابن اثیر، ۱۱۲/۱۱ و جوهری، بنا بر روایت ابن ابی الحدید، ۱۳۰/۲ - ۱۳۴ و السیره الحلبیه، ۳۹۴/۳ و ۳۹۷

^{۱۰} - تواتر اصطلاحی در علم حدیث و علم اصول فقه که ویژگی روایاتی است که از طرق و افراد مختلف و فراوان گزارش شود به گونه ای که از صحت خبر اطمینان حاصل گردد. به این نوع خبر، متواتر گویند. تواتر در دانش های حدیث، فقه، رجال و منطق استفاده می گردد. اگر روایتی متواتر باشد، علم آور و پذیرفته است و استناد به آن صحیح است و ضعف سند اعتبارش را از میان نمی برد.

^{۱۱} - ابوالحسن احمد بن یحیی بن جابر مشهور به بلاذری، کاتب، ادیب، راوی و از برجسته ترین تاریخ نگاران اسلامی و از مهم ترین مورخان و نسب شناسان قرن سوم است. کتاب با ارزش دیگر وی انساب الاشراف است که تاریخ دوران اسلامی را در قالب نسب شناسی و خاندانی آورده است. نام های دیگر این اثر، الاخبار والانساب، جمل انساب الاشراف، انساب الاشراف و اخبارهم و تاریخ الاشراف است. این اثر بر اساس نسب نگارش یافته اما از نظر ارائه ی مواد تاریخی، در بسیاری از موارد، از طبری نیز اخبار بیشتری را عرضه کرده است. کتاب طبعا از داشتن نظم منطقی بی بهره است. به عنوان مثال، درباره امویان نزدیک به ۳۴۸۳ روایت به دست داده در حالی که مجموعه روایات طبری درباره این خاندان ۶۲۸ نقل است. به عبارتی یک سوم کتاب

چه به زور، در محضر وی حاضر کند! عمر فرمان بُرد و در نتیجه بین او و علی سخنانی رد و بدل شد تا این که علی به او گفت: شتر خلافت را خوب بدوش که نیم آن سهم تو خواهد بود! به خدای سوگند، جوش و خروشی که امروز برای حکومت ابوبکر می زنی، فقط برای آن است که فردا تو را بر دیگران مقدم دارد و خلافت را به تو بسپارد».^{۱۲}

حمله کنندگان به خانه ی حضرت زهرا سلام الله علیها چه کسانی بودند؟

مورخان نام کسانی را که، بنا به فرمان ابوبکر به خانه ی حضرت فاطمه سلام الله علیها حمله کردند، چنین آورده اند: عمر بن خطاب، خالد بن ولید، عبدالرحمن بن عوف، ثابت بن قیس ابن شماس، زیاد بن لبید، محمد بن مسلمه، زید بن ثابت، سلمه بن سلامه ابن وقش، سلمه بن اسلم، اسید بن حضیر،^{۱۳}...

در منابع مکتب خلفا، چگونگی حمله و ورود این اشخاص را به خانه فاطمه زهرا سلام الله علیها و برخورد آنان را با متحصّنان چنین گزارش نموده اند: «گروهی از مهاجران، از جمله علی بن ابی طالب و زبیر، که از بیعت با ابوبکر سر باز زده بودند، مسلّح و خشمگین در خانه ی فاطمه بودند. ابوبکر و عمر گزارش دادند که جمعی از مهاجران و انصار در خانه ی فاطمه، دختر پیامبر خدا، پیرامون علی بن ابی طالب گرد آمده اند

انساب الاشراف اخبار امویان است. بلاذری بحث از انساب را بیان نسب عدنانیها آغاز کرده است. ابتدا از بنی هاشم و پس از آن از بنی عبدشمس که حجم بیشتری را به خود اختصاص داده و پس از تمام کردن اخبار قریش به قبایل دیگر پرداخته؛ بیشتر مآخذی که وی از آنها بهره برده، امروزه در دسترس ما نیست و وی با گزینشی که صورت داده است. وی تنها از مدائنی ۱۴۱۶ روایت نقل کرده است. تعجب آن است که کتاب او در دوره های متعددی مورد غفلت عمدی و سهوی مورخان قرار گرفته است.

۱۲ - انساب الاشراف، ۵۸۷/۱

۱۳ - طبری، ۴۴۳/۲ و ۴۴۴ و ابوبکر جوهری، بنا بر روایت ابن ابی الحدید، ۱۳۰/۲ - ۱۳۴ و ۱۹/۲ و ج ۱۷ در جواب قاضی القضاة ثانی

۱۴ - الریاض النضره، ۲۱۸/۱، چاپ مصر، ۱۳۷۳ هـ - و سقیفه جوهری، به روایت ابن ابی الحدید، ۱۳۰/۲ - ۱۹/۲ و ج ۱۷ در جواب قاضی القضاة ثانی

و قصد دارند که، برای خلافت، با او بیعت کنند.^{۱۵} ابوبکر به عمر دستور داد که به خانه فاطمه رود و آنان را از آن جا بیرون کند و اجتماعشان را پراکنده سازد و اگر مقاومت کردند با آن ها بجنگید. عمر، در اجرای فرمان ابوبکر، رو به خانه ی فاطمه نهاد، در حالی که شعله ای از آتش در دست گرفته بود و تصمیم داشت که با آن، خانه را به آتش بکشد. چون فاطمه به پشت در آمد، خطاب به عمر کرد و گفت: ای پسر خطاب! آمده ای خانه ما را آتش بزنی؟ عمر پاسخ داد: آری، مگر این که با اُمّت همراه شوید (و با ابوبکر بیعت کنید).^{۱۷}

بلاذری در این باره چنین آورده است: «ابوبکر، برای بیعت گرفتن از علی در پی او فرستاد، ولی او بیعت نکرد. آن گاه عمر، با شعله ی آتش، به سوی خانه ی وی رهسپار گشت. در آستانه ی در، فاطمه با او رو به رو شد و گفت: ای پسر خطاب! آمده ای تا در خانه مرا آتش بزنی؟ عمر پاسخ داد: آری ... این کار، دینی را که پدرت آورده تقویت می کند». ^{۱۸}

در کُنز العَمَالِ متقی هندی^{۱۹} نیز چنین آمده است: عمر به حضرت زهرا سلام الله علیها گفت: «هیچ کس نزد پدرت محبوب تر از تو نبود و لکن این مرا منع نمی کند، چنان که این گروه نزد تو جمع شوند، که فرمان دهم خانه را بر تو آتش زنند». ^{۲۰}

۱۵ - تاریخ یعقوبی، ۱۰۵/۲

۱۶ - ابن شحنه، در حاشیه کامل ابن اثیر، ۱۱۳/۱۱ و ابن الحدید، ۱۳۴/۲

۱۷ - العقد الفرید، ابن عبدربه ۶۴/۳ و تاریخ ابوالفداء، ۱۵۶/۱

۱۸ - النسب الاشراف، ۵۸۶/۱

۱۹ - از علمای عامه

۲۰ - کنز العمال، ۱۴۰/۳